

# تاریخچه و عملکرد جنبش عدم تعهد

معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی  
دفتر: مطالعات سیاسی

کد موضوعی: ۲۶۰  
شماره مسلسل: ۱۵۰۷۱  
مهرماه ۱۳۹۵

## به نام خدا

### فهرست مطالب

- ۱.....چکیده.....
- ۲.....مقدمه.....
- ۳.....پیدایش جنبش عدم تعهد.....
- ۴.....ارکان جنبش عدم تعهد.....
- ۶.....فلسفه پیدایش جنبش عدم تعهد.....
- ۹.....مشکلات جنبش عدم تعهد.....
- ۱۲.....ضرورت ایجاد دبیرخانه دائمی برای جنبش عدم تعهد.....
- ۱۸.....جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
- ۲۰.....منابع و مأخذ.....



## تاریخچه و عملکرد جنبش عدم تعهد

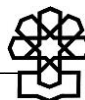
### چکیده

جنبش عدم تعهد در دوران جنگ سرد توسط جمعی از کشورهای تازه استقلال یافته جهان سوم با هدف مبارزه با هر نوع استعمار، استثمار و امپریالیسم ایجاد شد. این جنبش با تکیه بر استراتژی عدم تعهد و اصول پانچ شیل، مقابله با زیاده‌طلبی‌های قدرت‌های بزرگ، استقرار صلح جهانی را پی گرفته و به دنبال حاکم ساختن ترتیبات عادلانه‌تری بر نظام بین‌الملل بود، اما به جهت کارشکنی‌های دو ابرقدرت، مشکلات ساختاری، ناهمگونی اعضا و عدم توفیق در ایجاد سنتزی از ملی‌گرایی و بین‌الملل‌گرایی (ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم) نتوانست چندان کامیاب شود. تحولات جهانی در دو دهه اخیر نیز به نوبه خود تضعیف این جنبش را در پی داشت. این امر ضرورت انجام اصلاحاتی را در آن موجب شده است که اصلاحات ساختاری می‌تواند اولین قدم در این راستا باشد. بر این اساس طی سال‌های اخیر توجه خاصی به تأسیس دبیرخانه دائمی برای جنبش شده که البته فراتر از بیانیه‌ها و اظهارنظرهای سیاسی نبوده است. به نظر می‌رسد ایجاد کارگروه‌هایی جهت پیگیری این امر، تلاش به منظور تأمین بودجه لازم و بازتعریف اصول و اهداف جنبش متناسب با وضعیت امروز جهان در صورتی که نمود عینی و عملی نیز داشته باشد می‌تواند در تحقق این مهم مؤثر باشد.

## مقدمه

وقوع دو تحول در نخستین سال‌های پس از جنگ جهانی دوم بیش از هر عامل دیگری صحنه نظام بین‌الملل را متأثر ساخت. نخست، تغییر شکل نظام بین‌الملل از چندقطبی به دوقطبی بود. ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان دو دولت فاتح جنگ در شرایطی که آلمان و ژاپن به‌عنوان دو قدرت بزرگ آن روزگار بر اثر شکست در جنگ از وضعیت نابسامانی برخوردار بودند و حتی دولت‌های انگلیس و فرانسه که از فاتحان جنگ محسوب می‌شدند بر اثر پیامدهای این رخداد ضعیف‌تر از هر زمان دیگری به‌نظر می‌رسیدند، با بهره‌جستن از توان نظامی و اقتصادی بالا به مدد نیروی ایدئولوژی خود را به‌عنوان دو ابرقدرت جهان مطرح ساختند. دو ابرقدرت می‌کوشیدند با افزایش حوزه نفوذ خود، نفوذ رقیب را سد کنند.

تحول دیگر استقلال تعداد کثیری از واحدهای سیاسی در اقصی نقاط جهان بود که موجب افزایش چشمگیر تعداد بازیگران عرصه بین‌المللی شد. این دولت‌های نو استقلال یافته پس از رهایی از چنگال استعمار بر نفی سلطه قدرت‌های بزرگ تأکید داشته و خواهان نظام عادلانه‌تری که دربرگیرنده حقوق همه ملل باشد، بودند. بر این اساس بسیاری از کشورهای جهان سوم اتحاد با یکی از دو بلوک شرق یا غرب را به معنای تداوم سلطه قدرت‌های بزرگ بر خود دانسته و کوشیدند با اتخاذ استراتژی عدم تعهد به مقابله با آنها بپردازند. بی‌شک تبلور عینی چنین تفکری را باید در پیدایش جنبش عدم تعهد جستجو کرد، جنبشی که امروز دربرگیرنده ۱۲۰ عضو اصلی و ۱۷ عضو ناظر یعنی حدوداً دوسوم اعضای سازمان ملل متحد بوده و با ۳/۶ میلیارد نفر نیمی از جمعیت جهان را شامل می‌شود. با وجود چنین پتانسیلی پس از گذشت ۵۶ سال از ایجاد آن این سازمان



نتوانسته آنچنان که باید و شاید در راستای تحقق آرمان‌هایش کامیاب شود. در این گزارش بر آنیم ضمن بحث پیرامون فلسفه پیدایش این جنبش علاوه بر نشان دادن دلایل عدم توفیق آن، راهکارهای عملی به منظور ارتقای موقعیت این سازمان بین‌المللی ارائه شود.

### پیدایش جنبش عدم تعهد

در سال‌های دهه پنجاه میلادی تقابل دو ایدئولوژی لیبرال دمکراسی و کمونیسم پدیده‌ای غالب بود. در این دوره رقابت میان آمریکا به‌عنوان رهبر بلوک غرب که باورمندان به اقتصاد سرمایه‌داری و لیبرال دمکراسی را دربر می‌گرفت از یکسو و شوروی به‌عنوان رهبر بلوک شرق و باورمندان کمونیسم از سوی دیگر در تمامی عرصه‌ها در نهایت شدت و حدت جریان داشت. مسکو و واشنگتن هر یک کشورهای همسو با خود را گردآورده، با تشکیل بلوک‌های سیاسی به رویارویی با اردوگاه طرف مقابل دست زده بودند. دو ابرقدرت به این امر بسنده نکرده و می‌کوشیدند با ایجاد پیمان‌های نظامی و کمک‌های اقتصادی نفوذ خود را در میان کشورهای جهان سوم به‌ویژه کشورهای نو استقلال‌یافته و تازه رها شده از چنگال استعمار گسترش دهند، امری که به هیچ‌عنوان مطلوب این کشورها نبود. آنان که به تازگی پس از یک مبارزه سخت با استعمارگران توانسته بودند استقلال خویش را بازبند پیوستن به یکی از دو بلوک شرق و غرب را به معنای استقرار مجدد سلطه ابرقدرت‌ها می‌دانستند. بر این اساس، جریان سومی پیدا شد که از سوی کریشنا منون سیاستمدار هندی طی اجلاسی در سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۳ به عدم تعهد موسوم گشت. جریانی که چنانچه از نامش پیداست بر عدم تعهد به دو بلوک شرق و غرب تأکید نموده، خط‌مشی مستقلانه‌ای را در عرصه بین‌المللی دنبال می‌کرد. ایده تشکیل این

جنبش تا حد زیادی به ابتکار یوسیپ بروز تیتو رئیس‌جمهور یوگسلاوی، قوام نکرومه رئیس‌جمهور غنا، جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور مصر، جواهر لعل نهرو نخست وزیر هند و احمد سوکارنو رئیس‌جمهور اندونزی شکل گرفته بود. مقدمات شکل‌گیری این جنبش در اجلاس کشورهای آسیایی آفریقایی در باندونگ اندونزی در سال ۱۹۵۵ فراهم گردید و نهایتاً در سال ۱۹۶۱ در بلگراد یوگسلاوی به طور رسمی اعلام موجودیت کرد.

### ارکان جنبش عدم تعهد

جنبش عدم تعهد به لحاظ ساختاری با دیگر سازمان‌های بین‌المللی میان‌دولتی متفاوت بوده، حتی فاقد شخصیت حقوقی بین‌المللی می‌باشد. این سازمان فاقد دبیرخانه دائمی است و اعضا مکلف به پرداخت حق عضویت به آن نیستند و کشورها تنها در دوره ریاست خود بر این تشکل هزینه‌های مربوط به آن را عهده‌دار می‌گردند. با این وجود این سازمان دربرگیرنده تجمعاتی چند در سطوح گوناگون و گروه‌های مختلف می‌باشد که می‌توان آنها را به نوعی ارکان این نهاد به حساب آورد.

۱. **اجلاس سران:** اجلاس سران بالاترین و عالی‌ترین گردهمایی جنبش عدم تعهد به‌شمار می‌آید که معمولاً هر سه سال یکبار در پایتخت یکی از کشورهای عضو برگزار می‌شود و آن کشور از آن پس میزبانی ریاست جنبش را برعهده می‌گیرد. با توجه به فقدان دبیرخانه دائمی جنبش عدم تعهد کشوری که مسئولیت ریاست آن را عهده‌دار می‌شود الزاماً باید بخش عمده‌ای از وظایف وزارت خارجه خود را به جنبش عدم تعهد اختصاص دهد.

۲. **کنفرانس وزرا:** کنفرانس وزرای امور خارجه عضو جنبش عدم تعهد به‌منظور



پیگیری و اجرای مصوبات و تصمیمات اجلاس سران، ۱۸ ماه پس از اجلاس سران برگزار می‌شود. در اجلاس وزرا همچنین موضوعاتی که از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند مورد بررسی قرار می‌گیرند.

**۳. دفتر هماهنگی:** با توجه به عدم وجود تشکیلات منظم و ستادی در جنبش عدم تعهد، به منظور استمرار فعالیت‌های جنبش و ایجاد هماهنگی بین جنبش و سازمان ملل متحد، رکن جدیدی تحت عنوان دفتر هماهنگی در نیویورک تشکیل شد که در دو سطح نمایندگان دائم کشورهای عضو در سازمان ملل و وزرای خارجه اعضای جنبش به فعالیت می‌پردازند.

**۴. اجلاس فوق‌العاده وزرا:** در صورت لزوم به پیشنهاد دفتر هماهنگی جنبش عدم تعهد، اجلاس فوق‌العاده وزرای خارجه جنبش به منظور بررسی یک موضوع خاص تشکیل می‌گردد که در این صورت دستورکار اجلاس وزرای خارجه صرفاً محدود به موضوع موردنظر خواهد بود. افزون بر این چهار رکن، ارکان دیگری شامل:

۱. اجلاس وزرا در حاشیه اجلاس سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک

۲. اجلاس وزرای خارجه دفتر هماهنگی

۳. تروئیکا

۴. کمیته دائم همکاری‌های اقتصادی

۵. گروه‌های هماهنگی بین کشورها

۶. اجلاس‌های وزرا برای همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های مختلف

۷. کمیته هماهنگی مشترک جنبش عدم تعهد و گروه ۷۷

۸. گروه کشورهای عضو عدم تعهد در شورای امنیت

۹. گروه‌های کاری، گروه‌های تماس، نیروی اقدام و کمیته‌های جنبش عدم تعهد نیز وجود دارند که در راستای پیگیری اهداف و مصوبات اعضا و به‌طور کلی پیشبرد امور جنبش عدم تعهد فعالیت می‌کنند.

### فلسفه پیدایش جنبش عدم تعهد

چنانکه در بخش‌های پیشین اشاره رفت در آغازین سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در شرایطی که دو ابرقدرت آن زمان، آمریکا و شوروی، به تشکیل بلوک‌هایی از حامیان خود دست زده، بر آن بودند از این طریق ضمن مقابله با رقیب به موازنه‌سازی در برابر طرف مقابل دست بزنند، گروهی از کشورهای تازه استقلال یافته و رها شده از چنگ استعمار در پی آن بودند خود را از تبعات منفی سیطره طولانی استعمار رها کرده و در مسیر توسعه در تمامی عرصه‌ها اعم از توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی گام بگذارند. این دولت‌ها نگاه مثبتی به بلوک‌بندی موجود در نظام بین‌المللی نداشته، وجود چنین ترتیباتی را به زیان صلح جهانی می‌دانستند. بر این اساس، این کشورها در پی تدوین استراتژی مشخصی در سیاست خارجی بودند که ضمن توجه به واقعیات موجود در عرصه بین‌المللی بتواند ضامن استقلال آنان بوده، با نفی هرگونه استعمار و استثمار متضمن صلح جهانی باشد و افزون بر این زمینه را برای توسعه همه‌جانبه این کشورها فراهم سازد. چنین نگرشی به پیدایش نوع خاصی از استراتژی در سیاست خارجی منتهی شده که به عدم تعهد موسوم گشت. کشور هند و نخستین نخست وزیر آن نهرو در این ارتباط از نقش مؤثری برخوردار بود. وی در سال ۱۹۴۷ طی یک سخنرانی اظهار داشت که «سیاست عمومی جنبش، اجتناب از سیاست قدرت و عدم الحاق به هر گروهی علیه گروه دیگر



است. ما باید با هر دو بلوک رفتاری دوستانه داشته باشیم و در عین حال به هیچ کدام وابسته نباشیم». وی متأثر از برخی از مکاتب فکری در کشورش همچون اندیشه‌های آشوکا و بودا به ارائه پانچ شیل (پنج اصل) پرداخت که به باور وی اعمال آن در مناسبات میان دولت‌ها می‌توانست ضمن تأمین منافع ملی هر کدام موجب استقرار صلح در سطح جهان گردد. وی در پی ایجاد جهانی با مناسبات عادلانه‌تر بر مبنای اصول پانچ شیل بود و این اصول عبارتند از:

۱. احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت سرزمین یکدیگر ۲. عدم تجاوز ۳. عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر ۴. عدالت و نفع متقابل ۵. همزیستی مسالمت‌آمیز. این اصول پنج‌گانه در توافق میان هند و چین در سال ۱۹۵۴ نمود یافته و از سوی جنبش عدم تعهد نیز مورد پذیرش قرار گرفت. وجود چنین دیدگاه‌هایی میان این کشورهای نو استقلال‌یافته، نشست‌هایی را میان مقامات آنها موجب شد. در این بین نشست کشورهای آسیایی، آفریقایی در باندونگ اندونزی در سال ۱۹۵۵ نقطه عطفی به‌شمار می‌آید. در نشست باندونگ زمینه‌های ایجاد جنبش عدم تعهد فراهم شد و سرانجام این نهاد در سال ۱۹۶۱ در نشست بلگراد در یوگسلاوی موجودیت یافت. مهمترین اهداف این جنبش را می‌توان چنین برشمرد:

۱. احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی ۲. کاهش تنشج در روابط بین‌المللی ۳. مخالفت با پیوستن به اتحادیه‌های نظامی ۴. پشتیبانی از منشور ملل متحد ۵. خودمختاری و آزادی همه ملل از بند استعمار ۶. همکاری مثبت بین‌المللی ۷. حل مسالمت‌آمیز اختلافات ۸. مبارزه با نژادپرستی ۹. لزوم خلع سلاح با نظارت بین‌المللی و امضای قرارداد خلع سلاح از سوی قدرت‌های بزرگ ۱۰. مداخله نکردن در امور داخلی دیگر کشورها ۱۱. ایجاد سنتزی از ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم برای گسترش روابط با کشورهای جهان سوم

۱۲. مبارزه با عقب‌ماندگی ۱۳. سیاست عدم وابستگی.

بر این اساس می‌توان گفت جنبش عدم تعهد شکل گرفت تا اجتماعی از کشورهای جهان برای سازماندهی فعالیت‌های آنان با توسل به استراتژی عدم تعهد ایجاد گردد، حافظ استقلال اعضا در برابر زیاده‌طلبی‌های دو ابرقدرت باشد، با ایجاد سنتزی از ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم بتواند منافع ملی هر یک از اعضا را با منافع جهانی جنبش هماهنگ سازد، با تکیه بر همزیستی مسالمت‌آمیز متبلور در پانچ شیل، خلع سلاح و تکیه بر اصول مندرج در منشور ملل متحد ضمن ایجاد صلح جهانی ترتیبات عادلانه‌تری را که متضمن منافع جامعه جهانی و از جمله ملل جهان سوم باشد، بر نظام بین‌الملل حاکم سازد. آرمان‌هایی که همچنان نیز به‌رغم پایان جنگ سرد و از میان رفتن نظام دوقطبی همچنان موضوعیت خود را از دست نداده است. چنانچه حتی در این سال‌ها بر تعداد اعضای جنبش نیز افزوده شده و خروج آرژانتین از این نهاد را در این بین باید یک استثنا به‌شمار آورد.

به باور برخی تحلیلگران با از میان رفتن بلوک‌بندی‌های دوران جنگ سرد و پیچیده‌تر شدن مناسبات میان کشورها که دربرگیرنده الگوهای مختلفی از تقابل و همکاری به طور همزمان می‌باشد، استراتژی عدم تعهد بی‌معنا به‌نظر می‌رسد اما واقعیت این است که همچنان در اقصی نقاط جهان مناقشات قومی، نژادی و مذهبی جریان دارد. همچنین قدرت‌های بزرگ نیز به‌شدت دوران جنگ سرد بر سر گسترش حوزه نفوذ خود با یکدیگر رقابت دارند که نتایج سوء آن را در ارتباط با کشورهای جهان سوم می‌توان مشاهده نمود. افزون بر این شاهد وجود استانداردهای دوگانه در رفتار قدرت‌های بزرگ هستیم و این موضوع خود به‌عنوان مانعی بر سر راه تحقق مندرجات منشور ملل متحد عمل نموده و



آثار منفی خود را بر جامعه جهانی برجای گذاشته است. بر این اساس پرواضح است جنبش عدم تعهد نه تنها موضوعیت خود را از دست نداده بلکه توجه به اصول و اهداف آن بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.

### مشکلات جنبش عدم تعهد

جنبش عدم تعهد با وجود اینکه در مبارزه با استعمار به توفیقاتی دست یافت، چنانچه صدور قطعنامه مربوط به پایان استعمار در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کامیابی این نهاد در مواردی در ارتباط با حفظ و استقرار صلح را می‌توان در این راستا ارزیابی کرد. باید گفت این نهاد برخلاف دیدگاه خوش‌بینانه بنیانگذارانش کارنامه موفق‌تری نداشته است. می‌توان مهمترین دلایل این امر را چنین برشمرد: نخست دلایل بیرونی؛ که در این ارتباط فعالیت کارشکنانه دو ابرقدرت شرق و غرب قابل ذکر است. آمریکا از آغاز نگاه مثبتی به این جنبش نداشته و به کشورهای خارج از بلوک غرب به دیده بدگمانی می‌نگریست. جمله معروف جان فاستردالس وزیر امور خارجه سابق آمریکا را که گفته بود «هر که با ما نیست دشمن ماست»، می‌توان گواه این مدعا دانست. در طرف مقابل شوروی نیز با توجه به شعارهای ضداستعماری و ضدامپریالیستی جنبش عدم تعهد می‌کوشید خود را حامی این جریان نمایانده، از آن در جهت پیشبرد اهدافش سود جوید. بر این اساس دو ابرقدرت بی‌توجه به اصول مورد پذیرش اعضای این جنبش کوشیدند به انحای مختلف به گسترش حوزه‌های نفوذ خود بپردازند که البته اعضای جنبش را نیز دربر می‌گرفت. مسکو و واشنگتن با بهره‌جستن از ضعف اقتصادی کشورهای جهان سوم، از طریق اعطای برخی کمک‌های اقتصادی زمینه حضور خود را در این کشورها فراهم می‌ساختند و در عین حال

با سود جستن از تنش‌ها و اختلافات میان دول جهان سومی از جمله اعضای جنبش عدم تعهد می‌کوشیدند آنان را به انعقاد پیمان‌های نظامی با خود ترغیب نمایند. اقداماتی که با تمسک به ایدئولوژی و ارزش‌های ایدئولوژیک (دفاع از دموکراسی از سوی آمریکا و مبارزه با امپریالیسم از سوی شوروی) مشروع جلوه داده می‌شد. بالطبع اتخاذ چنین رویکردی از سوی دو ابرقدرت موجبات وابستگی بسیاری از اعضای جنبش را به آمریکا و شوروی فراهم می‌ساخت، امری که در تضاد آشکار با استراتژی موردنظر غیرمتعهدها یعنی عدم تعهد بود.

گذشته از عوامل بیرونی برخی عوامل درونی نیز در عدم توفیق غیرمتعهدها مؤثر بود که اهم آنها در پی می‌آید.

#### ۱. عدم همگونی دولت‌های عضو: این ناهمگونی را می‌توان در دو بخش مشاهده

نمود نخست به لحاظ میزان توسعه‌یافتگی که بر این اساس هر چند اعضای نهاد را دولت‌های جهان سومی تشکیل می‌دادند، با این وجود بعضاً میان آنها به لحاظ شاخص‌های توسعه در ابعاد مختلف تفاوت‌های چشمگیری دیده می‌شد. دیگر ناهمگونی به جهت ساختار سیاسی و باورهای ایدئولوژیک بود، به طوری که در میان اعضای جنبش دولتهایی با دیکتاتوری‌ترین نظام‌های سیاسی تا دولتهایی با نظام دموکراتیک مشاهده می‌شد. مجموعه این عوامل تفاوت در دیدگاه و اولویت‌های اعضا را پیرامون مسائل مختلف موجب می‌گردید، به‌عنوان مثال در شرایطی که تأکید کشور اندونزی بر مبارزه با استعمار و امپریالیسم بود، پاکستان بر مقابله با گسترش کمونیسم پای می‌فشرد.

#### ۲. وجود برخی دسته‌بندی‌ها درون جنبش: وجود برخی دسته‌بندی‌ها در درون

جنبش همچون سازمان وحدت آفریقا، اتحادیه عرب و ... نوعی چند دستگی را در میان



اعضا موجب شده بود و مانع اتحاد دولت‌های عضو می‌شد.

**۳. نحوه تصمیم‌گیری در جنبش عدم تعهد:** اتخاذ تصمیم در جنبش براساس اتفاق آرا میان اعضا صورت می‌گرفت. بی‌تردید با توجه به گوناگونی دولت‌های عضو به نحوی که پیش‌تر اشاره رفت دستیابی به اتفاق آرا دشوار بوده و در صورت تحقق آن نیز بروز کوچک‌ترین مشکل می‌توانست آن را بر هم بزند. بدیهی است در چنین شرایطی اتخاذ تصمیم اگر نگوییم غیرممکن، بسیار دشوار بود.

**۴. فقدان ضمانت اجرا برای تصمیمات اتخاذ شده:** حتی اگر به‌رغم دشواری موجود اعضا قادر می‌شدند پیرامون موضوعی خاص به اتفاق آرا دست یافته و تصمیم‌گیری نمایند، باز این تصمیمات الزام‌آور نبوده در سطح توصیه اخلاقی باقی می‌ماندند.

**۵. عدم پایبندی برخی اعضا به استراتژی عدم تعهد:** بسیاری از اعضا به یکی از دو ابرقدرت وابستگی داشته و در پیمان‌های نظامی با قدرت‌های بزرگ و یا دستکم در پیمان‌های نظامی مورد حمایت آنها حضور داشتند، از جمله کوبا متمایل به بلوک شرق بوده، در مقابل پاکستان به بلوک غرب متمایل داشت. از سوی دیگر عراق که در برهه‌ای عضو پیمان نظامی بغداد مورد حمایت آمریکا بود، با تغییر رژیم سیاسی در این کشور به شوروی متمایل شده و حتی با این کشور در سال ۱۹۷۲ پیمان نظامی منعقد نمود.

**۶. عدم توفیق اعضا در ایجاد سنتزی از ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم:** غیرمتمعهدها که بر همزیستی مسالمت‌آمیز تأکید نموده و پانچ شیل را به‌عنوان اصول حاکم بر مناسبات میان خود پذیرفته بودند، نتوانستند بین منافع ملی و منافع مشترک جهانی همسویی ایجاد نمایند و به سنتزی از ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم دست یابند. بارها طی ۵۶ سال گذشته شاهد منازعات خونبار میان اعضا بوده‌ایم از جمله هند که خود مبتکر پانچ

شیل بود حتی نتوانست براساس آن به حفظ صلح، میان خود با چین نائل آید. افزون بر این، دهلی با همسایه غربی خود، پاکستان و از اعضای جنبش عدم تعهد، پس از موجودیت این نهاد دوبار در سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ وارد جنگ تمام‌عیار شده و یکبار در سال ۱۹۹۹ تا آستانه جنگ پیش رفت. همچنین جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران که هر دو از اعضای جنبش محسوب می‌شوند بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های نیمه دوم قرن بیستم محسوب می‌شود. این موارد تنها چند نمونه از تقابل میان اعضای این نهاد می‌باشد که خود گواه ناکامی غیرمتعهدها در همسو ساختن منافع ملی خود با منافع فراملی جنبش بوده و همچنین عدم توفیق این نهاد را در حفظ و استقرار صلح حتی در میان اعضای خود آشکار می‌سازد.

### ضرورت ایجاد دبیرخانه دائمی برای جنبش عدم تعهد

چنانچه در بخش‌های پیشین اشاره رفت جنبش عدم تعهد موفق به تحقق آرمان‌های اولیه‌اش نشده است. کارشکنی‌های دو ابرقدرت در کنار ناهمگونی اعضا و مشکلات ساختاری در دوران جنگ سرد از اثرگذاری جنبش بر تحولات بین‌المللی کاست. پس از فروپاشی شوروی و پایان نظام دوقطبی که از یکسو به معنای تبدیل نظام بین‌الملل دو قطبی به یک نظام سلطه بود و ازسوی دیگر ظهور پدیده جهانی شدن و به کم‌توجهی برخی کشورهای غیرمتعهد به آرمان‌های جنبش انجامید. جنبش عدم تعهد به حیات خود همچنان ادامه داد اما آرمان‌های آن به مسائلی نظیر مقابله با زورمداری و یکجانبه‌گرایی تقلیل یافت و بسیاری از اعضا به تقویت پیوندهای خود با قدرت‌های بزرگ پرداختند. هر چند چنین اقداماتی تحت عنوان همزیستی مسالمت‌آمیز توجیه می‌شد، اما نتیجه آن



همراهی هر چه بیشتر این دسته از دولت‌های عضو جنبش با سیاست‌های قدرت‌های بزرگ و تبدیل آنها به حامیان وضع موجود بود.

بر این اساس، بسیاری از تحلیلگران معتقدند درک الزامات جهان امروز و نیازهای مشترک اعضا، این امکان را فراهم می‌سازد تا ضمن شناسایی فرصت‌های همکاری، کشورهای عضو در راستای منافع مشترک فراملی با یکدیگر همراه شوند که پیامد آن تقویت غیرمتمعهدها و افزایش کارآیی آنها می‌باشد. به نظر می‌رسد در دو حوزه بستر مناسبی برای گسترش همکاری‌ها در میان کشورهای عضو وجود دارد؛ نخست در عرصه فرهنگی است، با توجه به اینکه رشد ارتباطات به مدد فناوری‌های نوین جهان را بیش از پیش کوچک نموده، بر تأثیر و تأثر رخدادهای مختلف بر یکدیگر افزوده است، فرصت‌ها و تهدیداتی پیش روی کشورهای جهان قرار داده است. در نتیجه، از یک‌سو شرایط برای قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا فراهم شده تا بیش از پیش به گسترش ارزش‌های خود در سطح جهان و تبدیل آنها به ارزش‌های جهانی اهتمام ورزند. این امر می‌تواند به نوعی تهدید سلطه فرهنگی غرب را در پی داشته باشد که خود به مثابه تهدیدی علیه بسیاری از اعضای جنبش محسوب می‌شود. از سوی دیگر پیشرفت‌های بشر در عرصه ارتباطات این فرصت را برای اعضای جنبش ایجاد نموده تا به ترویج ارزش‌ها، اصول و آرمان‌های خود بیش از هر زمان دیگری بپردازند. در چنین شرایطی می‌توان دستکم آن تعداد از کشورهای عضو را که نسبت به سلطه فرهنگی غرب نگاه مثبتی نداشته و آن را تهدیدی علیه خود می‌دانند، برای مقابله با این تهدید مشترک متحد ساخت. افزون بر این با مشارکت کشورهای عضو، این جنبش می‌تواند طی یک برنامه منسجم به بسط و گسترش اصول و آرمان‌های این جریان بپردازد.

دیگر حوزه‌ای که به نظر می‌رسد می‌تواند بستر مناسبی برای همکاری میان اعضا باشد،

حوزه اقتصادی است. با توجه به نقش روزافزون اقتصاد در جهان امروز و از آنجایی که جنبش عدم تعهد متشکل از کشورهای در حال توسعه می‌باشد، پرواضح است که مسائل اقتصادی از چه جایگاه مهمی برای اعضای این نهاد برخوردار است. در شرایطی که دوسوم منابع انرژی جهان و بیش از نیمی از جمعیت دنیا در کشورهای عضو جنبش قرار دارد، در کنار کنترل ۳۵ درصد از منابع مالی جهان توسط این کشورها، می‌توان از طریق ایجاد بانک و نهادهای مالی و اعتباری، شرایط را برای همکاری‌های مشترک اقتصادی میان آنان فراهم نمود.

به تبع تحقق موارد مذکور، تقویت همکاری‌ها میان کشورهای عضو جنبش عدم تعهد، همبستگی میان آنها، ارتقای جایگاه این نهاد با توجه به افزایش کارآمدی آن حاصل خواهد شد. این امر در میان مدت می‌تواند در عرصه سیاسی نیز نمود یافته، موجب همگرایی هر چه بیشتر اعضا در این حوزه شده، اقدامات مؤثرتر آنان را در راستای تحقق آرمان‌های جنبش در پی داشته باشد. تحقق این امور مشروط به یک پیش شرط اساسی است که همانا تبدیل شدن جنبش عدم تعهد به یک سازمان تمام‌عیار می‌باشد. باید افزود که سازمان بین‌المللی عبارت از اجتماع نهادینه گروهی از کشورهاست که به منظور تحقق هدف‌های معین و مشترک در زمینه‌های مختلف (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره آنها) با یکدیگر همکاری می‌کنند. سه ویژگی عمده را برای یک سازمان بین‌المللی بر می‌شمارند که عبارتند از: دارا بودن استقلال و شخصیت حقوقی بین‌المللی جدا و مستقل از کشورهای عضو، دائمی بودن یا دارا بودن دوام و استقرار و داشتن تشکیلات و ارکان منظم.

براساس این تعریف جنبش عدم تعهد را نمی‌توان یک سازمان تمام‌عیار به حساب آورد زیرا با وجود داشتن برخی مشخصات یک سازمان در بسیاری از موارد فاقد ارکان دائمی می‌باشد، اگر چه می‌توان چندین رکن را برای آن برشمرد اما بدون دبیرخانه دائمی



وجود دیگر ارکان چندان مفید فایده نخواهد بود. از این‌روست که در سال‌های اخیر ایجاد دبیرخانه دائمی برای جنبش به یکی از موضوعات مورد توجه برخی کشورهای عضو از جمله جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. چنانچه در بیانیه اجلاس سران غیرمتعهدها در تهران شاهد انعکاس آن در بیانیه پایانی از جمله در بند «۱۱» بودیم که بر طبق آن «جنبش عدم تعهد باید تمامی امکانات خود و اعضا را برای اجرای تصمیمات و اراده سران کشورهای عضو که در اسناد جنبش منعکس می‌شوند، به کار گیرد. بر همین اساس جنبش می‌باید در صدد ایجاد سازوکاری مستحکم برای پیگیری اهداف و اجرای مصوبات خود باشد». توافق اعضا در این ارتباط ولو به صورت زبانی حاکی از آن است که کشورهای عضو به ضرورت ایجاد چنین رکنی در جنبش واقف می‌باشند و این به نوبه خود نکته مثبتی است، اگرچه صدور بیانیه و اشاره به ضرورت اصلاح ساختار جنبش عدم تعهد، مادام که با اقدام عملی ملموس همراه نباشد گره‌ای از مشکلات جنبش نخواهد گشود. در این بین جمهوری اسلامی، اگرچه ریاست جنبش را به ونزوئلا واگذار کرد، اما می‌تواند نقش فعالی نیز ایفا نماید و همچنان در تروئیکا که متشکل از رؤسای سابق، فعلی و آینده می‌باشد، به‌عنوان رئیس سابق فعالیت نموده و کماکان در فعالیتهای جنبش تأثیرگذار باشد. ایجاد دبیرخانه دائمی انجام برخی اقدامات بستر ساز را می‌طلبد که بی‌توجهی به این موارد، تلاش‌ها در راستای ایجاد دبیرخانه را عقیم خواهد ساخت که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

نخست باید از طریق کمیته هماهنگی و یا ایجاد کارگروه‌های دیگر و رایزنی‌های مداوم با اعضا نقطه‌نظرات آنان در این زمینه به‌طور شفاف مشخص شود. در ادامه ضمن توجه به دغدغه‌های اعضا برای همراه ساختن آنان با این اقدام تلاش شود. کارگروه دیگری نیز جهت مشخص کردن دقیق موانع موجود ایجاد شده و بکوشد با مشورت تمامی اعضا، راهکارهای

عملی به‌منظور فائق آمدن بر موانع پیش‌رو را ارائه کند. پس از انجام اقدامات مذکور می‌بایست یک جدول زمانبندی شده برای پیگیری راهکارهای ارائه شده تعیین گردیده و گزارشی از اقدامات صورت گرفته شده به صورت منظم در کمیته هماهنگی ارائه گردد.

دوم تلاش در راستای تأمین بودجه لازم برای ایجاد دبیرخانه دائمی باید صورت گیرد. بدون تأمین اعتبارات لازم این امر میسر نبوده و دبیرخانه حتی در صورت ایجاد نیز بدون بودجه مناسب کاری از پیش نخواهد برد. بر این اساس کشورهای عضو باید براساس میزان جمعیت و بنیه اقتصادی متعهد به تأمین بخشی از هزینه‌های دبیرخانه گردند. پرواضح است که اقناع اعضا برای پذیرش چنین امری مستلزم انجام مذاکرات و چانه‌زنی‌های فشرده و بی‌وقفه خواهد بود. کشورهای عضو می‌بایست نسبت به منافی که مشارکت در چنین امری برایشان در پی خواهد داشت متقاعد شوند.

سوم بازتعریف هویت جنبش عدم تعهد و تطبیق اهداف آن با الزامات نظام بین‌الملل و نیازها، اولویت‌ها و منافع اعضا می‌باشد، البته بی‌آنکه با روح اصول و آرمان‌های جنبش در تعارض قرار گیرد. به‌عنوان مثال چنانکه پیش‌تر اشاره شد در دو دهه اخیر و پس از پایان جنگ سرد شاهد افزایش توجه به مسائل اقتصادی در سیاست خارجی هستیم که جایگاه خاصی به دیپلماسی اقتصادی داده است و این امر خود گواه دغدغه‌های اقتصادی اعضاست. افزون بر این رشد فناوری اطلاعات و توسعه ارتباطات در کنار فرصت‌های بی‌سابقه‌ای که پیش روی کشورها قرار داده آنان را با تهدیداتی نیز مواجه ساخته است. در شرایطی که اهداف و برنامه‌های جنبش و حتی در سطحی کلان‌تر هویت و ماهیت جنبش منعکس‌کننده این نیازها و دغدغه‌های اعضا نباشد، کشورهای عضو رغبتی برای مشارکت در مسائل مربوط به جنبش از خود نشان نخواهند داد. در این ارتباط می‌توان با

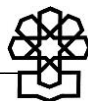


تأسیس برخی نهادهای جدید به‌عنوان مثال بانک یا صندوق اعتباری و یا تقویت نهادهای موجود خصوصاً در ارتباط با حوزه اقتصاد و فرهنگ که بیشتر مورد توجه کشورهای عضو می‌باشد، ضمن افزایش همبستگی میان اعضا و استفاده هر چه بهتر از پتانسیل‌ها و فرصت‌های موجود برای همکاری در درون جنبش عدم تعهد شاهد اشتیاق بیشتری از سوی آنان در امور مربوط به جنبش خواهیم بود. این امر می‌تواند دربرگیرنده همکاری بیش از پیش آنان در راستای ایجاد دبیرخانه دائمی نیز باشد. البته این بازتعریف اهداف و برنامه‌ها در حوزه سیاسی نیز ضروری به‌نظر می‌رسد. نظام سلطه امروز و نقش محوری آمریکا شرایط متفاوتی را در قیاس با نظام دو قطبی موجب شده است. در جهان دو قطبی این امکان برای کشورها وجود داشت که از خصومت میان ابرقدرت‌ها سود برده و با یک دیپلماسی هوشمندانه از امکاناتی که در چنین شرایطی وجود داشت از آنها امتیاز گیرند. اما در جهان امروز برخی از اعضای جنبش عدم تعهد به تقویت پیوندهایشان با ایالات متحده تمایل پیدا کرده‌اند، تمایلی که البته نسبت به دیگر قدرت‌های بزرگ نیز ولو با شدت و حدت متفاوت به چشم می‌خورد. همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر کشورها و برقراری روابط مودت‌آمیز توأم با احترام متقابل به خودی خود امر نامطلوبی تلقی نمی‌گردد، مشکل آنجایی است که به‌طور روزافزونی در سال‌های اخیر شاهد دنباله‌روی برخی از اعضای جنبش عدم تعهد از قدرت‌های بزرگ می‌باشیم، به نحوی که در برخی موارد اقدامات آنان در تعارض آشکار با اصول جنبش قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال چهار بار رأی هندی علیه فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بین سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این ارتباط قابل ذکر است. به همین جهت بازتعریف اصول و اهداف جنبش عدم تعهد با توجه به الزامات جهان امروز و دغدغه‌های اعضا ضروری است. افزون بر این، نوع مناسبات با قدرت‌های بزرگ نیز می‌بایست به‌طور صریح و شفاف

مشخص شود. به گونه‌ای که مرز میان همزیستی مسالمت‌آمیز و دنباله‌روی به شکل متمایز از یکدیگر تعیین شود. این موارد چنانچه پیش‌تر ذکر گردید می‌تواند ضمن افزایش انسجام درون جنبش، زمینه را برای حرکت از بیانیه‌های شعارگونه به سوی اقدامات عملی فراهم سازد. در عین حال توجه به نگرانی‌های اعضا و ارائه طرح‌های عملی در راستای تحقق منافع آنان، مشارکت بیشتر کشورهای عضو را که لازمه ایجاد دبیرخانه دائمی، پویا و کارآمد است را فراهم می‌سازد. در خاتمه نیز لازم به ذکر است در جنبش به کمیت بیشتر از کیفیت اعضا توجه شده است. درحالی که شاید اعضای کمتر ولی همراه و همگرا مفیدتر از تعداد عضو بیشتر ولی متشتت و منفعل است. اگر چه گزینه مطلوب، جلب مشارکت همه اعضا برای تشکیل دبیرخانه دائمی و دیگر موارد پیشنهادی در این گزارش می‌باشد، اما در صورت عدم همراهی مؤثر و عملی اکثریت اعضا می‌توان سازوکارهای مذکور را در ارتباط با مجموعه‌ای از دولت‌های همسو و همراه به کار بست تا به‌عنوان گروهی مستقل و یا به‌عنوان فراکسیونی درون جنبش عدم تعهد، اهداف و سیاست‌های خود را که همانا پیگیری آرمان‌های جنبش می‌باشد دنبال کنند.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در گیرودار جنگ سرد و در شرایطی که دو ابرقدرت شوروی و آمریکا متحدان خود را در دو بلوک شرق و غرب گرد آورده و به صف‌آرایی در برابر یکدیگر دست زده بودند جنبش عدم تعهد توسط جمعی از کشورهای جهان سوم که به تازگی خود را از سلطه استعمار رها ساخته بودند ایجاد گردید. این کشورها که نظام دو قطبی را نیز به زیان صلح جهانی می‌دانستند، کوشیدند با استراتژی عدم تعهد ضمن ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌های



دو ابرقدرت، به مبارزه با استعمار، استثمار و امپریالیسم از هرگونه آن دست بزنند. همچنین هدف این بود که با تأکید بر همزیستی مسالمت‌آمیز و با تکیه بر اصول پنج‌گانه پانچ شیل، صلح جهانی و به طور کلی مناسبات عادلانه‌تری را در نظام بین‌الملل مستقر نمایند. اما این جنبش به جهت کارشکنی ابرقدرت‌ها، ناهمگونی اعضا به لحاظ جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک، مشکلات ساختاری، عدم توفیق در ایجاد سنتزی از ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم و در نهایت ضعف عدم تعهد واقعی برخی از اعضا، در تحقق آرمان‌هایش با چالش‌هایی مواجه شد. در دوران پسا جنگ سرد نیز با عمل‌گرا و اقتصادمحور شدن سیاست خارجی، بسیاری از اعضای جنبش به اتحاد با قدرت‌های بزرگ متمایل شدند و در نتیجه، جنبش عدم تعهد بیش از پیش با مانع مواجه گردید، این امر موجب توجه بیش از پیش صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران به علل ناکارآمدی جنبش شده است. به نظر می‌رسد رفع مشکلات موجود در وهله نخست در گرو انجام اصلاحات ساختاری جنبش باشد، امری که در بیانیه‌های اخیر غیرمتعهدها بر آن تأکید شده است. اما صرف صدور بیانیه در این راستا کارگشا نخواهد بود. در اولین قدم ایجاد دبیرخانه دائمی برای جنبش بسیار ضروری به نظر می‌رسد که به منظور تحقق این مهم اقداماتی چند می‌بایست صورت گیرد: نخست در یک کمیته هماهنگی و یا در چارچوب کارگروه‌هایی در این ارتباط می‌تواند ایجاد شود. در همین راستا، بر مبنای هم‌اندیشی اعضا و استماع نظرات و پیشنهادهای آنان، سازوکارهای عملی برای پیگیری این مهم و فائق آمدن بر مشکلات و موانع پیش‌رو اتخاذ شده و یک جدول زمانبندی شده برای اجرای آن تنظیم گردد. گزارش اقدامات صورت گرفته می‌بایست از سوی کارگروهی که با همین هدف ایجاد می‌شود به کمیته هماهنگی به‌طور مرتب ارائه گردد. همچنین بازتعریف اصول و اهداف جنبش با توجه به تحولات جهان امروز و دغدغه‌های اعضا در حوزه‌های اقتصادی،

فرهنگی، سیاسی و امنیتی، محیط زیستی می‌بایست در دستور کار قرار گیرد. در عین حال با سود جستن از پتانسیل‌های موجود در درون جنبش، نهادهایی جهت بسترسازی همکاری اعضا ایجاد گردد که این امر می‌تواند جذابیت جنبش عدم تعهد را برای دولت‌های عضو افزایش داده، موجب گسترش همکاری و جلب مشارکت اعضا در تأمین هزینه‌های مورد نیاز دبیرخانه دائمی و دیگر نهادهای جنبش عدم تعهد گردد.

### منابع و مأخذ

۱. خانی جوی‌آباد، محمود و زهرانی، مصطفی. «فرصت‌ها و محدودیت‌های دوران ریاست‌جمهوری اسلامی ایران بر جنبش عدم تعهد» فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، شماره ۱، تهران، بهار ۱۳۹۲.
۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا. «حقوق بین‌المللی عمومی» تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳.
۳. قوام، سیدعبدالعلی. «استراتژی عدم تعهد و آثار آن در روابط بین‌المللی»، نشریه مطالعات حقوقی و قضایی، شماره ۱۰، ۱۳۶۶.
۴. قوام، سیدعبدالعلی. «اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌المللی»، سمت، تهران، یازدهم، ۱۳۸۴.
5. Guy Arnold "The A TOZ of The NON- Aligned movment and third world" published by Scarecrow PRESS U.K 2006.
6. Edited by Miskovic Natasa, Fischer Harald, Boskovska Tine and Nada, "The Non- Aligned Movement and The cold war" Delhi Bandung-Belgrade, Published by Routledge, London and Newyork, 2014.
7. Nondan Prasad Singh Jai, "Redfining Roles of NON- Aligned Movement in upipolar world", Published by Academic Excellence, India, 2006.
8. Raja Mohan "Panchsheel my ths", The Indian OX Press, 2013.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۵۰۷۱

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تاریخچه و عملکرد جنبش عدم تعهد

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: پویان بابایی

ناظر علمی: فاطمه سلیمانی

متقاضی: ابوالفضل ابوترابی (نماینده نجف‌آباد، تیران و کرون)

ویراستار تخصصی: \_\_\_\_\_

ویراستار ادبی: \_\_\_\_\_

واژه‌های کلیدی:

۱. عدم تعهد

۲. نظام دوقطبی

۳. دبیرخانه دائمی

۴. اصلاحات ساختاری



تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۷/۲۵